

متن پرسش

سلام علیکم: در برخورد با علم و تمدن غرب، می پذیریم تمدن ها غیریت سازند و روح کلان اسلام و مدرنیته غالب جهانی واقعاً متفاوت و دو زمین جداست، هم چنین می پذیریم که فرهنگها ابزار ساز هستند و با مثال معروفی که خودتان داشتید، در فرهنگ معنوی انسان برای تعامل با نظام احسن خلقت و استفاده درست مطابق ظرفیتهای، به ساخت قنات رو می آورد اما بشر مدرن برای تغییر جهان و هویت ابزار ساز خود مطابق امیال و حال درونی اش، به ساخت وسیله ای مثل الکترو پمپ رو می آورد. با وجود این دو مطلب و اینکه با وجود تمام مشکلاتی که تکنولوژی مدرن با سیطره روح اومانیستی دارد اما ظرفیت انکشاف و تحقیق و سرعت در آن هست و این هم مطلبی قابل تامل است. ما اگر بخواهیم با تکنولوژی برخورد کنیم و ابزارهایی مطابق اهداف تمدن شیعه بسازیم، باید هم به صبغه هویتی خود و روح متعالی ایرانی_اسلامی مان نظر کنیم و هم بدون اینکه عیوب ساختاری ابزارهای مدرن را وارد فرهنگ مان کنیم باید به نحوی آن را در فرهنگ خود استحاله کنیم که هم ابزاری برای رسیدن به چشم اندازهایمان باشد و هم ظرفیتهای مثبتی مثل انکشاف و تسریع خدمات که با روح مدرن ظهور کرد را داشت مثل کاری که شهید آوینی با مستندی مثل روایت فتح کرد و علیرغم اینکه سینمای مدرن را ابزاری برای ایجاد معرفت وهمی و غیر قدسی برای بشر می داند و در عین حال به ظرفیتهای هنری و سمعی_بصری رسانه واقف است، قصد دارد فطرت را در سینما و مستند وارد کند و لذا کنار همان تکنیک های غربی مستندسازی، با نمایش تصاویر رزمندگان و متون عرفانی اش و آن زاویه دید حماسی، یک اثر تمدنی ماندگار ساخت. آیا این برداشت من که بخش مهمی اش رو فکر می کنم خودتان هم در کتب و مقالات غرب شناسی اشاره کردید و همین آثارتان برای من دغدغه ایجاد کرد، درست است یا به نحوی التقاطی بین اسلام و مدرنیته است که ما دیگر نه مسلم هستیم نه بشر مدرن؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حتماً باید روی همین نکته که می فرمایید فکر شود. در بحث «طلوع جهانی بین دو جهان» عرایضی شد که فکر می کنم نقطه‌ی خوبی برای تفکر باشد. در سایت می‌توانید به این آدرس مطلب را دنبال کنید: موفق باشید

<http://lobolmizan.ir/post/۱۶۵۱/انقلاب-اسلامی-طلوع-جهانی-میان-دو-جهان>